

آیا یک دولت شاهی مشروطه با بعضی اضافات و تعدیلات راه حل مشکل افغانستان میباشد؟

در شماره ۱۱۰ مجله ارزشمند "آینه افغانستان" در صفحات ۲۷-۲۸ مسله نوعیت رژیم سیاسی کشور را که جناب سراج به ان پرداخته و استاد هاشمیان نظر "شاهی ملی از طریق کمیساریت ملی" را پیشکش کرده اند، مطالعه نمودم. در زمینه میخوام منحیث یک فردی از ملت افغانستان پیشنهاد خویش را ابراز نمایم:

با شناخت که من از مردم و تاریخ کشور خود دارم و اخیرا از سفر کشور برگشته ام، من طرفدار اعاده سیستم شاهی مشروطه از طریق تشکیل یک لویه جرگه و ترتیب قانون اساسی جدید البته با تعدیلات و اضافات انهم در جلوگیری از تبدیل شدن پادشاه به یک دیکتاتور که در زمینه تشویش موجود است، میباشم. من سیستم جمهوری ریاستی یا پارلمانی را که برادر سراج در زمینه توضیح خوبی داده اند هم به حال افغانستان مفید نمیدانم و ثبوت روشن ان همان اقدام سردار داوود خان علیه ظاهرشاه بود که تا امروز این ملت بها انرا به خون خود میدهد. از جانب دیگر با تاسف ملت ما تا امروز در روابط قبیلوی و سنتی قدیمی خود دست و پا میزند و مسایل مشر، کلان قوم، پول دار یعنی خان و غریب، ملک قریه و غیره را دنبال میکنند.

بدترین و خطرناکترین وضعیت در زندگی سیاسی یک ملت ایجاد خلا قدرت سیاسی در کشور ایشان میباشد که مثال های روشن از ان، دوره سیاه نه ماهه حاکمیت حبیب الله بچه سقو بعد از سقوط دولت امانی در ۱۹۲۹ و بعدا دوره چهار ساله حاکمیت گروپ های متضاد جهادی از سال ۱۹۹۲-۱۹۹۶ میباشد.

در کشور هالند از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۷ چهار بار حکومت سقوط نمود و چهار بار حکومت جدید تشکیل شد. احزاب سیاسی این کشور درین مدت به طور عجیبی دست به گریبان یکدیگر بودند اما چون در کشور پادشاه موجود بود، هیچ نوع انارشیزم و خیانت ملی به وقوع نرسید بلکه یا شاه همه مسایل را شدیدا کنترل و تحت نظر داشت و مردم هم از ملکه اطاعت مینمودند. بلاخره یک مرجع ثابت اداره کشور وجود داشت ورنه با وجود مدرن بودن این کشور وقوع هر نوع خطر در این کشور متصور بود. بنا با خصوصیات ویژه کشور ما افغانستان عزیز با این موقعیت جغرافیایی اش اعاده رژیم شاهی مشروطه یک ضرورت حیاتی میباشد.

در قسمت پیشنهاد جناب استاد هاشمیان مبنی بر ایجاد شاهی ملی و کمیساریت، من مخالف این نوع سیستم بوده، به تحلیل بنده اگر در مقام پادشاهی کشور چندین نفر طبعا با نظریات و موضع گیری های مختلف به اساس ترکیب فامیلی و قومی گرد هم آیند شکل یک حکومت ائتلافی را به خود گرفته و به جای اینکه ثبات سیاسی را در کشور حفظ نمایند برعکس مسبب شقاق و نفاق در بین ملت و کشور خواهند شد. چون ما اساس واقعی برای اعاده دولت شاهی مشروطه موروثی را داریم که همانا اعلیحضرت امان الله خان غازی و دو پسر و سه دختر ایشان که در قید حیات هستند، پس ضرورت و لزوم به شاهی ملی و کمیساریت نداریم.

اینکه فامیل جفاکار نادری اعلیحضرت امان الله خان غازی را به شیوه نهایت ظالمانه و نامردانه از ملت بی سواد نگهداشته شده و سرگردان نگهداشته شده افغان پنهان کرده بودند و تمام کارنامه ها و افتخارات استقلال افغانستان را به سپه سالار نادر خان منسوب کرده بودند، دیگر به ملت افشا شده است. به شهادت تاریخ و قضاوت ملت افغانستان مردم افغانستان نه از پادشاهان قبل از اعلیحضرت امان الله خان غازی رضایت دارند و نه از زعمای بعد از سقوط دولت امانی...!! پس قرار ارزیابی بنده در اوضاع فعلی مملکت ما یگانه شخصیت سیاسی که در آسمان سیاسی کشور ما مثل ستاره درخشان میدرخشد و نزد ۹۰ فیصد یا هم بالا تر نزد مردم افغانستان محبوبیت و مقبولیت دارد همانا اعلیحضرت امان الله خان میباشد.

برای یک آغاز اساسی و محکم من پیشنهاد مینمایم که از طریق یک مجلس کبیر ملی پسر سوم امان الله خان غازی شهزاده داکتر احسان الله خان به مقام پادشاهی مشروطه کشور جلوس داده شوند. موصوف دارای دو پسر جوان بوده و در صورت بروز مشکلات در قسمت ولیعهد خود فامیل محترم سراج فیصله معقول کرده میتوانند.

قانون تشکیل و مبارزه احزاب سیاسی در کشور به طور منطقی و معقول ان توشیح شود. این احزاب و هم افراد و اشخاص در چوکات منافع ملی کشور در راستا خدمت به افغانستان با هم رقابت نموده حزب برنده انتخابات، صدراعظم و کابینه خود را تشکیل و به حضور پادشاه شرفیاب میشوند. با اضافه عرض مینمایم که هر دو قصر دارالامان باز سازی شوند، مقام پادشاهی کشور در یکی ازین قصر ها تاسیس شود، طبق قانون مرحوم اعلیحضرت امان الله خان غازی رسماً منحه ز عیم ملی کشور اعلان شود، پول افغانی جدید که مزین به فوتو تابناک اعلیحضرت غازی بوده به چاپ داده شود، فوتو اعلیحضرت غازی در هر مقام مهم ملی و دولتی نصب شود، و جسد مفتخر ایشان از شهر جلال اباد با اشتراک ملت افغان به پایتخت کابل انتقال و به مشوره ملت در محل مناسب زیارت گاه ان اعمار شود.

پادشاه افغانستان مثل یک سپاهی مسلح واقع در یک برج بلند، باید نگهبان منافع ملی، وحدت مردم کشور و غمخوار ملت شریف و قهرمان افغانستان باشد. با اجرا این مامول بزرگ مردم افغانستان توانسته خواهند بود اساسی ترین سنگ تهادب حقیقی وفاق ملی و ترقی کشور خود را بعد ازین همه مصایب جامه عمل ببوشانند. در غیر ان ما افغانها در قطار بد بخت ترین ملت های جهان کمافی السابق در نفاق و شقاق، بد بینی، گرسنگی و جهل باقی خواهیم ماند.

من فکر میکنم به استثنا بعضی اشخاص و افراد و یا هم گروه های کوچک خود فروخته و خاین به اجنبی ها باقی تمام ملت افغانستان به شخصیت اعلیحضرت امان الله خان غازی رحمت الله علیه و خانواده شریف ایشان مخالفت نخواهند ورزید. در فرجام تحریریه هذادر حالیکه از قلب و جگر خون میچکد و ملت ام ناحق روزمره به قصابی برده میشوند پیغام من به اعضا فامیل با عظمت امانی- سراج این است که ملت افغان با شماسهت !! عملاً دست به کار شوید، با اشغالگران کشور در راس امریکا و انگلیس وارد گفتگو مستقیم و مستمر شوید و اینان را که خود را از هر نگاه عاقل و بی نیاز تلقی مینمایند به حقایق افغانستان یک بار دیگر تفهیم کنید که اگر خواست خداوند بی همتا بود توسط شمایان مردم ما ازین بربادی نجات یابند.

امید است این اظهارات من را وطن دوستان حقیقی کشور تحت غور قرار داده، نظریات مفید خویش را به ملت تقدیم نمایند، باقی آفریدگار عالمیان بهتر میدانند.

با احترام